

## فصلنامه علمی - تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی

شماره هشتم، بهار ۱۴۰۱، ص ۴۶۲ - ۴۷۹

### نقش احادیث امام صادق (ع) در نقد اخلاق سکولار و نهادینه کردن اخلاق اسلامی

محمدزکی علیزاده<sup>۱</sup>

محمد مهدی کریمی نیا<sup>۲</sup>

چکیده

مقصود از اخلاق اسلامی، صفات نفسانی ثابت و پایداری است که موجب می‌شود انسان بدون نیاز به فکر و تأمل، افعالی متناسب با آن صفات را انجام دهد. هدف غایی اخلاق اسلامی، دستیابی به ارزش حقیقی، کمال نهایی، قرب الهی و تشبیه به خداوند می‌باشد که تنها در سایه‌ی تجربه‌ی زندگی معنوی و رفتارهای اخلاق دینی قابل دستیابی است. در مقابل، طرفداران اخلاق سکولار معتقدند که اخلاق باید از ساحت دین بیرون بوده و ارزش‌ها و قواعد اخلاقی بر مبنای اصول انسانی و زندگی دنیوی و رفاه عمومی تعریف و تعیین گردد. امام صادق (ع)، با موضع‌گیری‌های معرفت‌شناسانه، تلاش نموده است که مبنای فکری اخلاق اخیر را نفی نموده و اخلاق اسلامی را در جامعه‌ی انسانی نهادینه نماید. این تلاش بدان جهت صورت گرفته است که ایشان در عصر خود با دو ریکرد اخلاقی سکولاریستی حد اقلی (اعتزال) و حد اکثری (زنادقه)، مواجه بود و لذا سعی نمود تا در قالب القای اصول اخلاق اسلامی، این دو رویکرد غلط که بر عرفی شدن و دنیا مدارانه شدن اخلاق تأکید داشتند را نفی نموده و بر بنیاد اخلاق مبتنی بر گزاره‌های وحیانی، پای فشارد. در این مقاله، با روش تحلیلی - توصیفی، سعی نمودیم تا نقش احادیث امام صادق (ع) را در این زمینه تبیین نماییم.

واژگان کلیدی: امام صادق (ع)، احادیث، اخلاق سکولار، اخلاق اسلامی.

۱. دانش آموخته حوزه و دانشجوی دکتری حقوق خصوصی جامعه المصطفی (ص) العالمیه، پژوهشگر و نویسنده مسؤل،

alizada.zaki@yHoo.com

۲. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم،

kariminia@quran.ac.ir

درآمد

مدخل بحث را با یک سؤال اساسی و بنیادی در حوزه‌ی ضرورت اخلاقی زیستن آغاز می‌کنیم: آیا اخلاق و اخلاقی زیستن به دین نیازمند است؟ در پاسخ به این سؤال، گروهی معتقدند که انسان همان گونه که دین‌ورز است، اخلاق ورز نیز می‌باشد و اساساً دین و اخلاق از هم جدا نمی‌باشند. در مقابل، گروهی دیگر بر این باورند که اخلاق باید مستقل از دین و حتی بدون دین و خدا تعریف گردد. باور گروه اول تحت عنوان اخلاق اسلامی و رویکرد گروه دوم نسبت به اخلاق، به نام اخلاق سکولار شناخته شده است.

سکولاریسم بر دو نوع عینی و ذهنی یا سیاسی و فلسفی، تقسیم شده است. سکولاریسم ذهنی یا فلسفی، معادل الحاد و بی‌خدایی است که می‌گوید انسان باید به گونه‌ای زندگی کند که گویی خدا مرده است و یا خدایی اصلاً وجود ندارد. اما سکولاریسم عینی یا سیاسی به مبحث جدایی دولت از نهادهای دینی تأکید دارد که از موضوع بحث این مقاله خارج می‌باشد. از آن جایی که ایمان به خداوند، اساس مسلمانی می‌باشد و سکولاریسم ذهنی یا فلسفی، فی‌الجمله یا بالجمله، در ضدیت کامل با اسلام و هر نوع دیانت توحیدی قرار دارد، مورد طرد و نفی سیره‌ی گفتاری امام صادق (ع) قرار گرفته است که در این تحقیق، به نحو تفصیلی، مورد بررسی قرار گرفته است.

۱- مفهوم شناسی

در بحث مفهوم شناسی به تعریف اخلاق اسلامی و اخلاق سکولار می‌پردازیم:

۱-۱- تعریف اخلاق سکولار

اخلاق سکولار<sup>۱</sup> گرایشی است که صفات، رفتارها و هنجارهای حاکم بر آن‌ها را بر دیدگاه غیردینی مبتنی می‌کند و معتقد است که دین هیچ گونه مرجعیتی در امور اخلاقی ندارد. به باور طرفداران این گرایش اخلاقی، عقل خود بنیاد و علم تجربی، تنها مرجع تنظیم رفتارهای انسانی است (Michalson, ۲۰۱۳: p۲۴). بر مبنای برخی قرائت‌ها از سکولاریسم، جهان‌ارزشی است که خدا به آدمیان اعطا کرده و خود از آن سلب مسئولیت نموده و نگهداری آنرا به خود انسان سپرده است (chars, ۱۹۹۹: p۴۵). به هر حال، اخلاق سکولار باور دارد که اخلاق برای تحقق خود هیچ نیازی به دین نداشته و به طور مستقل و توسط عقل عملی، معنی‌دار و موجه می‌باشد (کانت، بی‌تا: ص ۵۴).

۱. واژه‌ی سکولار (Secularis) در فارسی، به «دنیوی یا عرفی شدن» ترجمه شده است (شجاعی‌زند، ۱۳۸۱: ص ۵۶).

در دنیای اسلام، معتزله طرفدار اخلاق سکولار بوده است؛ زیرا آنان بر این باور بوده‌اند که خداوند، پس از خلق این جهان، دخالتی در تدبیر افعال انسان‌ها ندارد و امور بندگان را به خود آنان و گذار نموده است (صدرالدین شیرازی، ۱۴۲۰ق. ص: ۲۷۲)؛<sup>۱</sup> به اعتقاد آنان، عقل آدمی، صرف نظر از دین، توانایی کشف خوبی یا بدی افعال را دارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۱ش. ص: ۷۴).<sup>۲</sup> بنابراین، اخلاق سکولار، گرایشی است که از جانشینی عقل انسان به جای خدا حمایت می‌کند. این گرایش اخلاقی معتقد است که اصول و قواعد اخلاقی را باید تنها بر مبنای حیات این جهان و رفاه اجتماعی و بدون توجه به دین تعیین کرد و دین هیچ گونه مرجعیتی در امور اخلاقی ندارد (سروش و دیگران، ۱۳۸۱ش. ص: ۹۲).

#### ۱-۲- تعریف اخلاق اسلامی

مشهورترین تعریف اخلاق در میان اندیشمندان اسلامی این است که بگوییم: «اخلاق، صفات نفسانی ثابت و پایداری است که موجب می‌شود انسان بدون نیاز به فکر و تأمل، افعالی متناسب با آن صفات را انجام دهد» (ابی‌علی، بی‌تا: ص ۵۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق. ج ۶۷: ص ۳۷۲؛ بجنوردی، ۱۳۸۵ش. ص: ۱۲۸۵). برخی دیگر اخلاق اسلامی را هر چیزی که در رسیدن انسان به کمال و قرب الهی دخالت داشته و قوام آن به نیت انسان باشد، می‌داند. بر مبنای تعریف دوم، اخلاق تنها به ملکات نفسانی منحصر نبوده و اعم از اصطلاح فلسفی آن می‌باشد. به عنوان نمونه، احسان به والدین یکی از مصادیق اخلاق اسلامی می‌باشد؛ زیرا احسان به والدین نه تنها حسن دارد، بلکه یکی از واجب‌ترین واجبات الهی است که سبب قرب انسان به خدا می‌شود. همچنین اخلاق در رفتار معاشرتی (خوشرویی) با دیگران نیز خلاصه نمی‌شود و از این نیز وسیع‌تر است (یزدی، تعریف اخلاق اسلامی، منعکس در: <http://mesbahyazdi.ir/node/۶۵۰۴>).

#### ۲- رویکردهای مهم اخلاقی

اخلاق و رویکردهای اخلاقی موجود در زمان رسول خدا (ص)، سه گونه بوده است:

---

۱. «ذهب جماعة الى ان الله اوجد العباد واقدرهم على بعض الافعال وفوض اليهم فهم مستقلون بايجادها على وفق مشيئتهم وطبق ارادتها...».

۲. از نظر معتزله حسن و قبح اخلاقی، ذاتی است؛ یعنی خوبی و بدی اوصافی وابسته به ذات اشیاء و رفتارهاست نه اینکه به دستور و فرمان الهی منوط باشد. به باور آنان حسن و قبح مذکور، عقلی است، یعنی در مقام کشف این اوصاف، عقل به تنهایی و بدون نیاز به دستورات دینی می‌تواند خوبی و بدی را بفهمد.

الف: اخلاق کلیسا؛ اخلاق کلیسا، هیچ توجهی به جنبه‌های مادی نداشت و صرفاً انسان را به گوشه‌گیری، ترک دنیا و زندگی در دیرها و غارها دعوت می‌کرد؛ ازدواج را نکوهش نموده و مجرد را پسندیده می‌خواند (سبحانی، ۱۴۲۹ق: ص ۸۴).

ب: اخلاق یونانی یا اخلاق سکولار؛ اخلاق یونانی، انسان را به زندگی مادی و انجام وظایف اخلاقی برای کسب مقام و مال دعوت می‌کرد؛ در این رویکرد اخلاقی اگر چنانچه انسان باید کار نیک انجام دهد، تنها به خاطر این است که از این رهگذر سودی عاید او گردد (همان). به هر حال اخلاق سکولار به شدت دنیا مدار بوده و برای تأمین سعادت اخروی و زندگی ابدی، هیچ طرح و برنامه‌ی ندارد و نمی‌خواهد داشته باشد (همیلتون، ۱۳۸۹ش: ص ۲۹۰).

ج: اخلاق اسلامی؛ اخلاق اسلامی از یک‌سو، بهره‌گیری از طیبیات<sup>۱</sup> را مجاز می‌داند و از سوی دیگر، به رعایت شدید جنبه‌های معنوی تأکید می‌ورزد. از منظر اخلاق اسلامی، انسان نباید محو امور مادی گردد که جز لذت، به چیزی دیگری فکر نکند و نه در معنویت محض غرق گردد تا از امور دنیوی بازماند (همان). بدین جهت است که قرآن کریم در عین نهی از زاویه‌نشینی و ترک دنیا و دیر گزینی، هم انسان را به تلاش و کار دعوت کرده و هم به انجام کارهای نیک، برای جلب رضای خدا، فرا خوانده است: «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً؛ پروردگارا ما را در این جهان و در سرای دیگر نیکی عطا فرما» (بقره، ۲۰۱). بنابراین، قوانین و اصول اخلاقی اسلام به گونه‌ی طراحی شده است که فضایل اخلاقی و سجایای انسانی را همزمان، در انسان زنده نموده و انسان را به سعادت و خوشبختی در دو جهان رهنمون می‌گردد.

### ۳- ویژگی‌های اخلاق اسلامی و اخلاق سکولار

در اینجا مناسب است که به بیان ویژگی‌های اخلاق اسلامی و اخلاق سکولار بپردازیم:

#### ۳-۱- ویژگی‌های اخلاق سکولار

خصوصیات زیر، از ویژگی‌های اخلاق سکولار محسوب شده است:

الف: غیر دینی بودن؛ مهم‌ترین جوهره و اصلی‌ترین عنصر اخلاق سکولار، غیر دینی بودن آن می‌باشد؛ زیرا در اخلاق سکولار، هرگونه مرجعیت دینی نفی شده و بر عرفی شدن و عقل محوری در

---

۱. در آیه «۳۲» اعراف با عتاب فرموده است: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أُخْرِجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ بگو چه کسی زینتهای الهی را که برای بندگان خود آفریدم و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟ بگو: اینها در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند؛ این نعمت‌ها در قیامت، خالص [برای مؤمنان] خواهد بود.

زمینه‌ی اخلاق، تأکید گردیده است. به عبارت دیگر، از منظر اخلاق سکولار، هیچ اصل قطعی و مسلم دینی، در تنظیم اخلاق، پذیرفته نشده است<sup>۱</sup> (عادل، ۱۳۷۱ ش: ص ۲۶).

ب: دنیامداری؛ اخلاق سکولار، روش طبیعت‌گرایانه محض داشته و هیچ ارتباطی با ادیان و حیانی و گرایش‌های ماوراءطبیعی ندارد. زیرا از دیدگاه این رویکرد اخلاقی، آنچه برای انسان ارزش نهایی دارد، زندگی دنیایی و رسیدن به خوشبختی در این دنیاست.

ج: بی‌قیدی؛ در این گونه از اخلاق، آزادی کمترین قید و محدودیت را متحمل می‌گردد؛ زیرا در این رویکرد اخلاقی سعی می‌گردد تا حداکثر آزادی برای افراد فراهم آید.

ه: شخصی بودن؛ در این رویکرد اخلاق، یک امر کاملاً شخصی است و لذا هیچ کس حق اظهار نظر درباره‌ی رفتار دیگری را ندارد. بنابراین، فاعل اخلاقی در مقابل دیگران هیچ احساس شرم و مسؤولیتی نخواهد داشت.

و: نسبییت؛ در اخلاق سکولار، هیچ آموزه‌ی اخلاقی، به طور مطلق، خوب یا بد نیست؛ بلکه خوب بودن یا بد بودن یک سببه‌ی اخلاقی، بسته به شرایط و محیط دارد. به عبارت دیگر، اخلاق سکولار هیچ امری را مطلقاً خوب یا بد نمی‌داند (اسلامی، ۱۳۸۱ ش: ص ۴۲).

## ۲-۲- ویژگی‌های اخلاق اسلامی

اخلاق اسلامی دارای ویژگی‌های زیر می‌باشد:

الف: در نظام اخلاق اسلامی صفات، رفتار و هنجارهای حاکم بر آن برخاسته از متن دین بوده و گزاره‌های دین مبین اسلام، اصلی‌ترین مرجع برای تنظیم و ارائه‌ی اصول و قواعد رفتاری و اخلاقی می‌باشد (جعفریان، ۱۴۲۸ ق، ج ۲: ص ۸۰۱).

ب: این نظام اخلاقی، ارزش، کمال و سعادت دنیوی و اخروی انسان را تنها در سایه‌ی دین میسر می‌داند. در این رویکرد اخلاقی، آنچه برای انسان ارزش نهایی و حقیقی دارد، قرب الهی است که تنها در تجربه‌ی زندگی معنوی و اخلاقی برخوردار است (همان). با اینکه از

---

۱. این استنباط از تعریف واژه‌ی سکولاریسم نیز قابل فهم است؛ زیرا در فرهنگ‌های لغت و دائرةالمعارف‌ها، دنیاگرایی، لادینی، بی‌خدایی، اعراض از دین، طرفداری از اصول دنیوی و عرفی شدن، از معانی این واژه دانسته شده است. این واژه در تاریخ غرب نیز در مفاهیم و معانی متفاوتی مانند جدا انگاری دین و دنیا، تفکیک دین از سیاست، غیر مقدس و غیرروحانی، عقلانیت، علم‌گرایی، نوگرایی و تلقی عصری و تفکر کنونی به کار رفته است (آریانپور، ۱۳۷۷/۵: ص ۵۴ و ۹۲).

نظر اخلاق اسلامی، زندگی دنیوی امر فرعی نیست، اما در عین حال دارای اصالت نیز نمی‌باشد (سبحانی، ۱۴۲۹ق: ص ۸۴).

ج: با اینکه در اخلاق اسلامی، عقل و توانایی آن در شناخت ارزش‌های اصلی اخلاق، اهمیت بسیار دارد، اما در عین حال، مرجع اصلی و مورد اعتماد برای تشخیص گزاره‌های صحیح اخلاقی، دین و گزاره‌های وحیانی می‌باشد نه عقل انسانی.

د: از منظر اخلاق اسلامی، نه تنها در مسایل و مصادیق جزئی اخلاق از دین کمک گرفته می‌شود، بلکه بدون اعتقاد صحیح دینی، نمی‌توان نهاد اخلاقی صحیحی را پایه‌گذاری نمود.

ه: هدف اخلاق اسلامی، حفظ و تقویت فضایل بنیادی انسان‌ها و تقرب به خدا می‌باشد.

و: نیت الهی داشتن؛ یعنی فضایل اخلاقی زمانی انسان را به قرب الهی می‌رساند که فاعل آن انگیزه‌ی الهی و اخلاص داشته باشد.

#### ۴- سیره‌ی گفتاری امام صادق (ع) در نفی اخلاق سکولار

در این بخش که شاکله اصلی این مقاله را تشکیل می‌دهد، به بررسی سخنان امام صادق (ع) در نفی اخلاق سکولار و نهادینه کردن اخلاق اسلامی به جای آن می‌پردازیم. اخلاق سکولار، در عصر امام صادق (ع) با دو چهره‌ی اعتزال و زندقه‌گری بروز و ظهور یافته بود؛ از آنجائی که معتزله یک مذهب اسلامی عقل‌گرا بوده و عقل انسان را مستقل در حسن و قبح اشیاء می‌داند، می‌توان آن را تفکر سکولاریستی حداقلی و زنادقه که بر نفی خدا و گزاره‌های دینی تأکید داشت را سکولاریسم حداکثری بنامیم. به هر حال، هر دو رویکرد اخلاقی توسط امام صادق (ع) نفی گردیده و به جای آن اخلاق اسلامی تعیین و تبیین شده است. بر مبنای فرمایشات ایشان، می‌توان گفت که از یک‌سو، اخلاق در بسیاری از جهات، وابسته به دین بوده و ما در تعیین ارزش‌های اخلاقی، تشخیص مصادیق جزئی آن ارزشها، تعیین هدف ارزش‌های اخلاقی و ضمانت اجرایی ارزش‌های اخلاقی، نیازمند هدایت‌ها و راهنمایی‌های دین و متولیان اصلی دین می‌باشیم (نفی تفکر اعتزالی) و از سوی دیگر، کمال اخلاق، بستگی تام به استمداد از وحی الهی دارد (طرد کلی مکتب زندیقی‌گری). در هر صورت موضع‌گیری‌های گفتاری امام صادق (ع) را در دو حوزه‌ی نفی اعتزال و زندقه‌گری مورد تحلیل قرار می‌دهیم.

#### ۴-۱- احادیث امام صادق (ع) در نفی مکتب اخلاقی اعتزال

در عصر امام صادق (ع) مسلمانان، به لحاظ فکری، گرفتار اختلاف و پریشانیهای گوناگون بود؛ وجود نحله‌های فکری مانند زنادقه، معتزله، مرجئه، غلات و مجبره که هرکدام اصول و اعتقاداتی مخصوص به خود را داشتند، گواه این تشنّت فکری جهان اسلام در زمان ایشان می‌باشد. معتزلیان افعال آدمیان را آفریده‌ی خود آنان می‌دانستند که خود بر اساس عقل‌شان حسن و قبح آن را تشخیص داده و عمل می‌کنند (قاضی عبدالجبار، ۱۴۰۸ق. ص: ۳۲۳؛ اسفراینی، بی‌تا: ص ۶۱). آنان، برای استوار ساختن این اعتقاد خویش، از اصول عقلی بهره برده و برخی آیات قرآن را نیز تفسیر عقلی می‌کردند (قاضی عبدالجبار، ۱۴۰۸ق. ص: ۳۵۵، ۳۵۷، ۳۶۲). امام صادق (ع)، اصلاح این نوع از باورهای نادرست که خدا را در حوزه‌ی اخلاق اسلامی بی‌غرض می‌پنداشت و تعمیق مبانی نظری شیعه‌ی امامیه در تمام زمینه‌ها، مخصوصاً در زمینه‌ی اخلاق اسلامی را جزء رسالت‌های بنیادین خود می‌دانست و در این میدان تلاش می‌کرد.

نحوه‌ی برخورد امام صادق (ع) با این تفکر سکولاریستی (تفویض) در حوزه‌ی اخلاق اسلامی، نفی مطلق این تفکر عقل‌گرا بوده است؛ یکی از روایات امام صادق (ع) که به روشنی تفکر اعتزالی در تمام حوزه‌های علوم اسلامی و به ویژه در حوزه اخلاق اسلامی را طرد و نفی می‌کند حدیثی است که حرزین عبدالله از ایشان نقل کرده است:

«النَّاسُ فِي الْقَدَرِ عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجُهٍ رَجُلٌ يَزْعُمُ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَجْبَرَ النَّاسَ عَلَى الْمَعَاصِي فَهَذَا قَدْ ظَلَمَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي حُكْمِهِ فَهُوَ كَافِرٌ وَ رَجُلٌ يَزْعُمُ أَنَّ الْأَمْرَ مَفُوضٌ إِلَيْهِمْ فَهَذَا قَدْ وَهَنَ اللَّهُ فِي سُلْطَانِهِ فَهُوَ كَافِرٌ وَ رَجُلٌ يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ كَلَّفَ الْعِبَادَ مَا يُطِيقُونَ وَ لَمْ يُكَلِّفْهُمْ مَا لَا يُطِيقُونَ فَإِذَا أَحْسَنَ حَمْدَ اللَّهِ وَ إِذَا أَسَاءَ اسْتَغْفَرَ اللَّهُ فَهَذَا مُسْلِمٌ بَالِغٌ وَ اللَّهُ الْمُوفِّقُ؛

مردم در باره‌ی تقدیر سه نوع عقیده دارند یکی گمان کند که خدای عز و جل مردم را به گناه مجبور نموده است. این شخص بر خدا در حکمی که در باره‌ی کیفر گناه اجرا می‌فرماید ستم روا داشته و کافر است؛ و کسی گمان کند که همه‌ی کارها به دست مردم سپرده شده است. این شخص به مقام شامخ سلطنت الهی اهانت نموده و کافر است. برخی دیگر عقیده دارد که خداوند به قدر طاقت بندگان تکلیف معین فرموده و آنچه را طاقت ندارند تکلیفشان نکرده است، چون کار نیک انجام دهد خدای را سپاسگزار است و چون کار بد کند از خداوند آمرزش طلبد، این شخص مسلمان کاملی است.» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق. ج ۲۸: ص ۳۴۲).

روایت دیگر از آموزه‌های امام صادق (ع) ناظر بر نفی مکتب عقل‌گرایی علی‌الاطلاق اعتزالی، حدیث: «لَا جَبْرَ وَلَا تَفْوِیضَ وَلَکِنَّ اَمْرًا بَيْنَ اَلْاَمْرَيْنِ» است. یعنی در کشف گزاره‌های اخلاقی نمی‌توان به عقل محض اتکا نموده و از گزاره‌های وحیانی بی‌نیاز شد. این فرمایش امام صادق (ع)، توسط امام رضا (ع) چنین شرح داده شده است: «معتقد به جبر، کافر و معتقد به تفویض، مشرک است و مقصود از امر بین الامرین، راهی است که برای عمل به اوامر و ترک نواهی وجود دارد، بندگان هیچ فعلی را خواه نیک یا بد انجام نمی‌دهند، مگر اینکه خداوند را در آن فرمان یا قضایی است و قضای او همان حکم او به ثواب و عقابی است که بندگان در دنیا و آخرت استحقاق آن را دارند (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ص ۴۰۵). یعنی این دین است که گزاره‌های اخلاقی را تبیین و تعیین می‌کند و عقل انسان به هیچ عنوان نمی‌تواند جایگزین خدا در این مباحث باشد.

۴-۲- احادیث امام صادق (ع) در نفی تفکر زنادقه

واژه‌ی زنادقه، جمع زندیق بوده و ریشه‌ی فارسی دارد؛ اصل آن «زند دین» بوده است. به گزارش طریحی، زنادقه ابتدا به مجوسیان و سپس برهر ملحدی در دین استعمال شده است (طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۵: ص ۱۷۸). زنادقه یا دهریون، از مجهزترین و خطرناک‌ترین نحله‌های افکار انحرافی و سکولاریستی عصر امام صادق (ع) بوده‌اند؛ زیرا آنان طبقه‌ی متجدد، نظیف و تحصیل کرده بوده و با زبان‌های زنده آن روز، مانند زبان سریانی، فارسی، هندی و... آشنایی کامل داشته‌اند؛ آنان با برنامه‌ریزی و به صورت سازمان دهی شده، مقدّسات اسلامی و مخصوصاً گزاره‌های وحیانی را، با القای شبهه، زیر سؤال می‌بردند و در حوزه‌های مختلف دین، سعی در تخریب و تزلزل عقاید مسلمانان داشتند و لابی‌گری و اباحه‌گری را ترویج می‌نمودند. ابن ابی‌العوجاء<sup>۱</sup>، ابوشاکر دیصانی<sup>۲</sup> و ابن مقفّع<sup>۳</sup> از جمله متفکران و تئوری پردازان این مکتب سکولاری در عصر امام صادق (ع)، محسوب می‌شدند (روش دفاع امام صادق (ع) از قرآن در برابر شبهات دشمنان، منعکس در: <https://www.tasnimnews.com>).

به گزارش هشام بن حکم، روزی، ابن ابی‌العوجاء و ابوشاکر دیصانی و عبدالملک بصری و ابن مقفّع در خانه‌ی خدا جمع شده بودند و حاجیان و قرآن را مسخره می‌کردند؛ ابن ابی‌العوجاء به یاران خود

۱. «ابن ابی‌العوجاء، من تلامذة أبی الحسن البصری فانحرف عنه و عن التوحید» (طریحی، ۱۴۱۶هـ/ق ۲: ص ۳۲۱).

۲. «عبدالله الدیصانی و کنیته أبو شاکر کان زندیقاً من الزنادقة و أسلم» (همان/۴: ص ۱۷۱).

۳. «ابن المقفّع، بالمیم و القاف و القاء المشددة و العین المهملة أخیراً علی ما صح فی النسخ: رجل کان دهریا کابن أبی العوجاء» (همان: ص ۳۸۲).



گفت: بیا بید ما چهار نفر هر کدام مان یک ربع قرآن را باطل کنیم تا بدین وسیله، کل قرآن ابطال گردد؛ او در ادامه گفت که نقض قرآن، نقض نبوت محمد و نقض نبوت او بطلان اسلام محسوب می‌گردد و مدعای ما که عالم، صانعی ندارد، به اثبات می‌رسد. هر چهار نفر، در سال بعد، نزد خانه‌ی خدا جمع شدند تا هر کدام یک ربع قرآن را ابطال نماید؛ ابن‌ابی‌العوجاء، گفت که من از پارسال تا الآن، تمام فکرم در مورد این آیه بود که خداوند فرموده است:

«فَلَمَّا اسْتِيسُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا؛

هنگامی که (برادران یوسف) از او مایوس شدند، به کناری رفتند و با هم به نجوا پرداختند» (یوسف، ۸۰)؛

و هرچه فکر کردم که مانند آن را بیاورم، نتوانستم و تفکر در همین یک آیه نگذاشت که من برای آیات دیگر، فکر کنم.

عبدالملک، نیز گفت که من از پارسال تا حالا در مورد این آیه می‌اندیشم که می‌گوید:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاستَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعْفَ الطَّالِبِ وَالْمَطْلُوبِ؛

ای مردم! مثلی زده شده است، به آن گوش فرا دهید: کسانی را که غیر از خدا می‌خوانید، هرگز نمی‌توانند مگسی بیافرینند، هر چند برای این کار دست به دست هم دهند! و هرگاه مگس چیزی از آنها برباید، نمی‌تواند آن را باز پس گیرند! هم این طلب‌کنندگان ناتوانند، و هم آن مطلوبان» (حج، ۷۳).

ابوشاکر دیصانی گفت که فکر مرا نیز این آیه مشغول کرده است که گفته است:

«لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ؛

اگر در آسمان و زمین، جز «الله» خدایان دیگری بود، فاسد می‌شدند (و نظام جهان به هم می‌خورد)! منزّه است خداوند پروردگار عرش، از توصیفی که آنها می‌کنند!» (انبیا، ۲۲).

من بعد از یکسال تفکر، به این نتیجه رسیدم که قدرت آوردن کلام فصیحی که از هر جهت با این آیه برابر باشد را ندارم.

ابن‌مفّع گفت دوستان این قرآن از جنس کلام بشر نیست؛ زیرا ذهن مرا در طول این یکسال فقط این آیه متحیر کرده است که می‌گوید:

«وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَمَاءُ أَقْلِعِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»

و گفته شد: «ای زمین، آبت را فرو بر! و ای آسمان، خودداری کن! و آب فرو نشست و کار پایان یافت و (کشتی) بر (دامنه کوه) جودی، پهلو گرفت؛ و (در این هنگام)، گفته شد: دور باد قوم ستمگر (از سعادت و نجات و رحمت خدا!)».

به گزارش هشام بن حکم، در این هنگامه، حضرت امام صادق (ع) از کنار آنان گذر کرد و آیهی «۸۸» سورهی اسراء را برای آنها قرائت فرمود؛ خداوند در آیهی مذکور فرموده است:

«قُلْ لئن اجتمعت الإنسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا»

بگو: «اگر انسان‌ها و پریان (جن و انس) اتفاق کنند که همانند این قرآن را بیاورند، قادر بر این امر نخواهند بود؛ هر چند که یکدیگر را (در این کار) یاری رسانند» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ص ۳۷۷).

سران زنادقه وقتی آیهی فوق را از امام صادق (ع) شنیدند، نگاهی به همدیگر کردند و حالشان دگرگون شد و با هم گفتند که اگر اسلام حقیقتی داشته باشد، باید جانشینی محمد (ص) در عصر ما به این شخص منتهی شود و ما هیچ وقت نشده او را ببینیم و بدن‌های ما از هیبت او نلرزیده باشد. متفکران زنادقه این کلام را گفتند و از نزد هم متفرق شدند. نفی علی‌الاطلاق زنادقه و تفکر دنیاگرایانه‌ی آنان توسط حضرت، نفی مکتب اخلاقی آنان نیز می‌باشد؛ زیرا آنان کلیت دین اسلام را قبول نداشتند که نفی اخلاق اسلامی را نیز در پی داشت. امام صادق (ع) نیز کلیت تفکر زندیقی‌گری را نفی نموده است تا در ضمن این نفی کلی و علی‌الاطلاق، مکتب اخلاقی سکولاریستی زمان خودش را نیز نفی نموده و درهم کوبیده باشد.

۵- سیره‌ی گفتاری امام صادق (ع) در نهادینه کردن اخلاق اسلامی

گفتیم که طرفداران اخلاق سکولار، منبع اخلاق را عقل بشر می‌دانند و منکر تقید به باورهای دینی و انجام رفتارهای مذهبی که منافاتی با مرجعیت عقل خودبنیاد و تجربه علمی نداشته باشد، نیستند (نقیب العطاس، ۱۳۸۲ش: ص ۱۷ - ۱۵). طبق ادعای عادل ظاهر: «منطقاً ممکن است حکومتی سکولار بوده و دین، مرجع نهایی تصمیم‌گیری در آن نباشد، اما در عین حال، قوانینش منطبق با شریعت دینی باشد؛ یعنی مصلحت‌های عقلانی، حکومت را به سویی سوق دهد که به وضع قوانینی بر اساس شریعت منجر شود» (ظاهر، ۱۹۹۹م: ص ۶۱ - ۶۰).

از نظر ایشان وصف بنیادین سکولاریسم و هسته معنایی آن، اتکا و تقید به اعطای اولویت به عقل است، هرچند این اولویت بخشی در نهایت به هم‌رأیی با دین بینجامد (همان). امام صادق (ع) این عقل‌گرایی مطلق را نفی نموده و به نیازمندی اخلاق به دین تأکید نموده است؛ ایشان با القای اصول و هنجارهای اخلاقی که از طریق قرآن و سنت به دست آورده است، انسان‌ها را از راه، تشویق و ترغیب و نیز انذار و تحذیر به سوی عمل به دستورات اخلاقی سوق داده است.

به عنوان نمونه به این داستان توجه فرمایید:

اسماعیل، فرزند امام صادق (ع)، مقداری دینار داشت و خواست آن را به مردی از قریش که تصمیم سفر تجاری به یمن داشت، بدهد تا برایش مالی را از آنجا بیاورد. اسماعیل برای انجام این کار نزد پدرش رفت و عرض کرد: «پدر جان! فلانی قصد مسافرت به یمن دارد و من مقداری پول دارم آیا به نظر شما پولهایم را به او بدهم تا برایم جنس و کالایی بخرد؟» حضرت به فرزندش فرمود: «پسرم آیا خبر نداری که این شخص شراب می‌نوشد؟» اسماعیل پاسخ داد: «مردم چنین می‌گویند».

امام فرمود: «پسرم این کار را مکن پولهایت را به این شخص تحویل نده.» اسماعیل توصیه‌ی اخلاقی پدرش را گوش نداد و پولهایش را تحویل آن شخص داد؛ شخص مذکور نیز نه کالای را برای اسماعیل آورد و نه پولهایش را برایش پس داد. از باب اتفاق، همان سال امام صادق (ع) به حج مشرف شد و اسماعیل نیز همراه پدرش بود، اسماعیل خانه‌ی خدا را طواف می‌کرد و می‌گفت: «خدایا آنچه از دست من رفته است در عوضش جایگزینی عنایت کن.» امام صادق (ع) که شاهد این صحنه بود، خودش را به اسماعیل رساند و با دست، او را از پشت تکان داد و فرمود: «آرام باش پسرم، نه به خدا سوگند، خدا چنین کاری برایت نمی‌کند و دعایت را مستجاب نخواهد کرد، زیرا تو خودت زمینه‌ی از بین رفتن مالهایت را فراهم نمودی، تو خبر داشتی که آن شخص که به او پول دادی شراب خور است».

اسماعیل به پدرش گفت: «پدر جان، من آن را ندیده‌ام که شراب بنوشد؛ تنها از مردم شنیدم که چنین می‌گویند.» حضرت فرمود: «پسرم خداوند در قرآن فرموده است: «يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يَوْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ؛ او [رسول خدا] به خدا ایمان دارد و (تنها) مؤمنان را تصدیق می‌کند» (توبه، ۶۱). اگر مؤمنان در نزد تو به مطلبی گواهی دادند آن را تصدیق کن و به شرابخور اطمینان مکن زیرا خداوند در قرآن بیان داشته است: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ امْوَالَكُمْ خُدَّوْنَ وَسِيلَةَ قَوْمٍ زَنْدَگِی شَمَا قَرَار دَادَه، بَه دَسْت سَفِیْهَان نَسْپَارِیْد» (نساء، ۵). پسرم! سفیه تر از شرابخور وجود ندارد؛ زیرا مؤمنان به خواستگاری شرابخوار جواب مثبت نمی‌دهند، کسی برای او شفاعت

نمی‌کند و هر کس او را امین شمرد و امانتی به او بسپارد و شرابخوار آن را از بین ببرد، خداوند هیچگاه جایگزینی برای مال از دست رفته قرار نمی‌دهد (کلینی، ۱۴۰۷ق.، ج ۵: ص ۳۰۰ - ۲۹۹).

حضرت، با بیان دو آیه از قرآن کریم اصل عدم اعتماد به گناهکار و نسپردن اموال به سفیه را در حوزه‌ی اخلاق عملی القاء نموده و تنها اعتماد نمودن به مؤمنین را روا دانسته است. عفو و گذشت و صله‌ی رحم نیز از صفات اخلاقی ممدوحی است که مورد سفارش و عمل ایشان بوده است. صفوان جمال، از اصحاب امام صادق (ع)، روایت نموده که بین عبدالله بن حسن و امام (ع) درگیری کلامی پیش آمد؛ عبدالله چنان صدایش را بر امام بلند کرد که مردم به دور آن‌ها جمع شدند و بالاخره کار به جدایی آن دو منجر شد. صبح روز بعد، امام صادق (ع) را دیدم که بر درخانه‌ی عبدالله بن حسن (که از عموزاده‌ها و از مخالفان عقیدتی ایشان بود) ایستاده و به جاربه او فرمود: «به ابومحمد بگو اباعبدالله بر در خانه است»؛ عبدالله بن حسن که بیرون آمد پرسید: «چرا این موقع صبح به اینجا آمده‌ای؟» امام (ع) فرمود: «پس از مشاجره و درگیری دیروز، شب به آیه‌ای از کتاب خدا برخوردم که مرا مشوش و آشفته کرد.» عبدالله پرسید: «کدام آیه؟» امام فرمود آیه‌ی «۲۱» رعد که فرموده است: «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ» پس از تلاوت آیه، هر دو، همدیگر را در بغل گرفته و باهم معانقه کردند و به گریه افتادند و عبدالله بن حسن گفت: «راست گفתי یا اباعبدالله، والله گویا من اصلا این آیه را نخوانده و گویا هرگز بدان برخورد نکرده بودم» (عیاشی، بی تا، ج ۲: ص ۲۰۹ - ۲۰۸).

امام صادق (ع) از امیرالمؤمنین (ع) نقل کرده است:

«جُمِعَ الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي ثَلَاثِ خِصَالٍ: النَّظَرِ وَالسُّكُوتِ وَالْكَلامِ فَكُلُّ نَظَرٍ لَيْسَ فِيهِ اعْتِبَارٌ فَهُوَ سَهْوٌ وَ كُلُّ سُّكُوتٍ لَيْسَ فِيهِ فِكْرَةٌ فَهُوَ غَفْلَةٌ وَ كُلُّ كَلَامٍ لَيْسَ فِيهِ ذِكْرٌ فَهُوَ لَعْوٌ؛

همه‌ی خیر در سه چیز فراهم آمده است: نگاه کردن و خاموشی و سخن گفتن؛ پس هر نگاهی که عبرت‌انگیز نباشد خطا است و هر خاموشی که بی‌تفکر باشد غفلت است و هر سخنی که خدا را بیاد نیاورد بیهوده است خوشا بحال آن که نگاهش عبرت و خاموشی‌اش فکر و سخن‌اش ذکر باشد و بر گناه خود بگرید و مردم از شرش در امان باشند» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق.، ج ۹: ص ۳۱).

اصل تفکر، اصل سکوت، اصل ذکر خدا گفتن و نیز عدم مردم‌آزاری و عبرت‌آموزی و توبه از گناهان، ستون فقرات اخلاق اسلامی را تشکیل می‌دهد که امام صادق (ع)، آن را از سنت علوی نقل نموده است.

ایشان علاوه بر القای اصول بنیادین اخلاق اسلامی، برای نهادینه کردن اخلاق اسلامی در جامعه، از روش تشویق و انذار نیز استفاده کرده است. به عنوان نمونه در مورد تشویق مردم به تعاون و کمک به همدیگر و تقویت روحیه‌ی سخاوت و انفاق در خودشان، فرموده است:

«قَضَاءُ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ حَجَّةٍ مُتَقَبَّلَةٍ بِمَنَاسِكِهَا، وَ عِتْقُ أَلْفِ رَقَبَةٍ لِرَجَاءِ اللَّهِ، وَ حِمْلَانِ أَلْفِ فَرَسٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِسَرَجِهَا وَ لَحْمِهَا؛

برآوردن حوائج و نیازمندی‌های مؤمن از هزار حج مقبول و آزادی هزار بنده و فرستادن هزار اسب مجهز در جهاد فی سبیل الله، بالاتر و والاتر است» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق.، ج ۱۶: ص ۳۶۵ - ۳۶۴).

این در حالی است که اخلاق سکولار می‌گوید، تو نباید منافع خود را فدای دیگران کنی؛ بلکه دیگران را فدای منافع خود نمایی. به هر حال امام صادق (ع)، در حدیثی دیگری فرمود:

«الصَّمْتُ كَنْزٌ وَافِرٌ، وَ زَيْنُ الْحِلْمِ، وَ سِتْرُ الْجَاهِلِ؛

سکوت همانند گنجی پربه‌اء، زینت بخش حلم و بردباری و سرپوشی برای آبروی شخص نادان و جاهل می‌باشد» (صدوق، ۱۴۱۳ق.، ج ۴: ص ۳۹۶).

در اینکه ذکر آثار مفید برای سکوت، تشویق به اخلاق اسلامی است، تردیدی نمی‌باشد.

امام صادق (ع)، برای نهادینه کردن اخلاق اسلامی، از روش انذار نیز بهره گرفته است؛ ایشان در این زمینه فرموده است:

«إِذَا فَشَتْ أَرْبَعَةٌ ظَهَرَتْ أَرْبَعَةٌ: إِذَا فَشَا الزُّنَا كَثُرَتِ الزَّلَازِلُ، وَ إِذَا أُمْسَكَتِ الزَّكَاةُ هَلَكَتِ الْمَاشِيَةُ، وَ إِذَا جَارَ الْحُكَّامُ فِي الْقَضَاءِ أُمْسِكَ الْمَطَرُ مِنَ السَّمَاءِ، وَ إِذَا ظَفَرَتِ الذِّمَّةُ نَصَرَ الْمُشْرِكُونَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ؛

هنگامی که چهار مؤلفه‌ی ضد اخلاق در جامعه رایج گردد، چهار نوع بلا و گرفتاری را در پی خواهد داشت؛ نخست اینکه هرگاه زنا و بی‌عفتی رایج گردد، زلزله و مرگ ناگهانی فراگیر می‌گردد. دوم اینکه عدم پرداخت زکات و خمس اموال، موجب نابودی حیوانات می‌گردد. سوم اینکه هر وقت حاکمان جامعه و قضات، ستم و بی‌عدالتی نمایند، باران رحمت خداوند فرو نمی‌بارد. چهارم اینکه هر زمانی که اهل ذمه تقویت شوند، مشرکین بر مسلمین پیروز خواهند شد».

چنانکه مشاهده فرمودید، امام (ع)، اثر بی‌عفتی و اباحه‌گری جنسی را بلا یای طبیعی و مرگ ناگهانی دانسته است؛ مانند شیوع ویروس کوید ۱۹ یا همان کرونا، می‌تواند نتیجه‌ی اباحه‌گری جنسی در عصر حاضر باشد. پیامد ناگوار عمل نکردن به واجبات مالی و غیر مالی نیز نابودی حیوانات گران

شدن گوشت در بازار خواهد بود. بی‌عدالتی قضات، باران رحمت را قطع می‌کند و همراهی عقیدتی و اخلاقی با غیر مسلمانان، باعث تقویت مکتب اخلاقی سکولاریسم در میان مسلمانان می‌گردد. این معارف اخلاقی را که امام (ع) بیان کرده است، همگی از آیه «۴۱» روم، قابل استنباط می‌باشد. آیه‌ی مذکور فرموده است:

«ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ».

در حدیثی دیگری از ایشان آمده است:

«أَيُّمَا مُؤْمِنٍ سَأَلَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ حَاجَةً وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى قَضَائِهَا فَرَدَّهُ عَنْهَا سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِ شُجَاعًا فِي قَبْرِهِ يَنْهَسُ مِنْ أَصَابِعِهِ»

چنانچه مؤمنی از برادر ایمانیش حاجتی را طلب کند و او بتواند خواسته‌اش را برآورد و انجام ندهد، خداوند در قبرش یک افعی بر او مسلط گرداند که هر لحظه او را آزار رساند» (حلی، ۱۴۰۷ق: ص ۱۹۰).

در کدام مکتب اخلاقی، اصول اخلاقی و حقوق بشری بدین خوبی و انسانی، ترویج شده است؟ باز در حدیث دیگر از همان بزرگوار آمده است: «مَنْ عَابَ أَخَاهُ بَعِيبٍ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ؛ هرکس برادر ایمانی خود را برچسبی بزند و او را متهم نماید، اهل آتش خواهد بود.» (مجلسی، ۱۴۱۰ق: ج ۷۵: ص ۲۶۰).

در این حدیث، اخلاق به معنای برخورد صادقانه و مؤمنانه با برادرانی دینی است که عدم رعایت آن می‌تواند باعث جهنمی شدن انسان گردد. در گفتار دیگر آن امام همام آمده است:

«لَا يَكْمُلُ إِيْمَانُ الْعَبْدِ حَتَّى تَكُونَ فِيهِ أَرْبَعُ خِصَالٍ: يَحْسُنُ خَلْقَهُ، وَتَسْخُو نَفْسَهُ، وَ يُمْسِكُ الْفَضْلَ مِنْ قَوْلِهِ، وَ يُخْرِجُ الْفَضْلَ مِنْ مَالِهِ»

ایمان انسان کامل نمی‌گردد مگر آنکه چهار خصلت در او نهادینه شده باشد: نخست اینکه اخلاقش نیکو باشد، دوم اینکه نفس خود را سبک شمارد، سوم آنکه کنترل سخن داشته باشد و چهارم اینکه اضافی ثروتش - حق الله و حق الناس - را بپردازد» (طوسی، ۱۴۱۴ق: ص ۱۲۵).

امام (ع)، اخلاق خوش، تواضع، بی‌جا و نسنجیده حرف نزدن و پرداخت حقوق مالی را جزء برنامه‌های تعالی بخش دین اسلام برشمرده است.

با توجه به مطالب ارائه شده به تعاریف و نتایج زیر دست یافتیم:

- ۱- اخلاق اسلامی به صفات نفسانی ثابت و پایداری گفته می‌شود که موجب بروز و ظهور رفتار خدا پسندانه از فاعل می‌گردد.
- ۲- اخلاق سکولار، گرایشی است که صفات، رفتارها و هنجارهای حاکم بر آن‌ها را بر دیدگاه غیر دینی مبتنی می‌کند و معتقد است که دین هیچ‌گونه مرجعیتی در امور اخلاقی ندارد. به باور طرفداران این گرایش اخلاقی، عقل خود بنیاد و علم تجربی، تنها مرجع تنظیم رفتارهای انسانی است.
- ۳- در زمان رسول خدا (ص) و نیز در عصر امام صادق (ع) سه رویکرد اخلاقی تحت عنوان اخلاق کلیسا، اخلاق یونانی و اخلاق اسلامی وجود داشت.
- ۴- غیر دینی بودن، شخصی بودن، دنیا مداری، بی‌قیدی و نسبیت، از ویژگی‌های مهم و عناصر اساسی اخلاق سکولار است.
- ۵- اخلاقی اسلامی، اولاً: مبتنی بر گزاره‌های دینی است؛ ثانیاً: سعادت دنیوی و اخروی را متریبی را همزمان در نظر می‌گیرد؛ ثالثاً: هدف اخلاق اسلامی حفظ و تقویت فضایل بنیادی انسان است. رابعاً: جوهره‌ی اصلی اخلاق اسلامی، نیت الهی و داشتن اخلاص است.
- ۶- معتزله که بر فهم عقلی گزاره‌های اخلاقی تأکید داشته و زنادقه که دین را در تمام حوزه‌ها از جمله در اخلاق انکار می‌کرده است، از بزرگترین مکاتب اخلاقی سکولاری در زمان امام صادق (ع) به شمار می‌رفته است.
- ۷- امام صادق (ع)، در دو حوزه با تفکر سکولار، در زمان خودش، مواجهه نموده است؛ نخست، اصل تفکر سکولاری را علی‌الاطلاق رد نموده و بر نفی آن کوشیده است. دوم، با بیان آثار خوب برای رعایت اخلاق اسلامی و انذار به خاطر عدم رعایت اخلاق اسلامی، بر نهادینه کردن اخلاق اسلامی در جامعه‌ی انسانی تلاش واسع نموده است.

❖ قرآن کریم؛

الف: منابع فارسی

۱. ابی علی، مسکویه، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، انتشارات بیدار، قم؛ بی تا، بی جا؛
۲. اسلامی، محمد تقی، فردگرایی لیبرال، مجله رواق اندیشه، سال ۱۳۸۱ش.، شماره ۱۰، (از صفحه ۵۰ - ۳۷)؛
۳. آریانپور، منوچهر، فرهنگ پیشرو آریانپور انگلیسی - فارسی، نشر الکترونیکی و اطلاع رسانی جهان رایانه، تهران، ۱۳۷۷ش.، چاپ اول؛
۴. جعفریان، رسول، رسائل حجابیه، دلیل ما، قم، ۱۴۲۸ق.، چاپ دوم؛
۵. سیحانی، جعفر، رساله توضیح المسائل، مؤسسه امام صادق (ع)، قم، ۱۴۲۹ق.، چاپ سوم؛
۶. سروش، عبدالکریم و دیگران، سنت و سکولاریسم، انتشارات صراط، ۱۳۸۱ش.، چاپ اول؛
۷. شجاعی زند، علیرضا، عرفی شدن در تجربه مسیحی و اسلامی، انتشارات باز، تهران، ۱۳۸۱ش.، چاپ اول؛
۸. زاهر، عادل، الاسس الفلسفیه العلمانیه، دارالساقی، بیروت، ۱۹۹۹م.، بی جا؛
۹. عادل، حداد، سکولاریسم و دینداری، مجله رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی، پاییز و زمستان ۱۳۷۱ش.، شماره ۱۹ - ۱۸، (از صفحه ۳۲ - ۲۴)؛
۱۰. کانت، ایمانوئل، بنیاد مابعدالطبیعه اخلاق، ترجمه: حمید عنایت و علی قیصری، خوارزمی، تهران، بی تا، بی جا؛
۱۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، مؤسسه وفا، بیروت، ۱۴۰۳ق.، بی جا؛
۱۲. مصباح یزدی، محمد تقی، فلسفه اخلاق، تحقیق و نگارش: احمد حسین شریفی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، تهران، ۱۳۸۱ش.، بی جا؛
۱۳. موسوی بجنوردی، محمود، بررسی نقش اخلاق در فقه و حقوق (۱) و (۲)»، مجله بازتاب اندیشه، اسفند ۱۳۸۵ش.، شماره ۸۳، (از صفحه ۹۲ - ۸۹)؛
۱۴. نقیب العطاس، محمد، اسلام و دنیوی گری، ترجمه: احمد آرام، آگاه، تهران، ۱۳۸۲ش.، بی جا؛



۱۵. همیلتون، مالکوم، جامعه شناسی دین، ترجمه: محسن ثلاثی، نشر ثالث، ۱۳۸۹ش..  
چاپ دوم؛  
ب: منابع عربی
۱۶. صدرالدین شیرازی، محمد، مجموعه رسائل فلسفی صدرالمتألهین، حکمت، تهران، ۱۴۲۰ق.. چاپ دوم؛
۱۷. کلینی، محمد، الکافی(ط - الإسلامية)، دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق.. چاپ چهارم؛
۱۸. عیاشی، محمد، تفسیر عیاشی، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، المكتبة العلمية الإسلامية، تهران، بی تا، بی جا؛
۱۹. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البيت (ع) بیروت، ۱۴۰۸هـ، چاپ اول؛
۲۰. معتزلی، قاضی عبدالجبار، شرح اصول خمسة، تحقیق: عبدالکریم عثمان، مکتبه وهبه، بی جا، ۱۴۰۸ق.. چاپ سوم؛
۲۱. اسفراینی، ابوالمظفر، التبصیر فی الدین و تمیز الفرقة الناجية عن الفرق الهالکین، تحقیق: کمال یوسف الحوت، عالم الکتب، بیروت، بی تا، چاپ اول؛
۲۲. حرعاملی، محمد، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، مؤسسه آل البيت (ع)، قم، ۱۴۰۹ق.. چاپ اول؛
۲۳. طبرسی، احمد، الاحتجاج، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ق.. چاپ اول؛
۲۴. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، کتابفروشی مرتضوی، تهران، ۱۴۱۶ق.. چاپ سوم؛
۲۵. صدوق، محمد، من لا یحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۳ق.. چاپ دوم؛
۲۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع)، مؤسسة الطبع و النشر، بیروت، ۱۴۱۰ق.. چاپ اول؛
۲۷. طوسی، محمد، الأمالی، دار الثقافة، قم، ۱۴۱۴ق.. چاپ اول؛

۲۸. حلّی، احمد، عدة الداعی و نجاح الساعی، دار الكتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق،.

چاپ اول؛

ج: منابع لاتین

۲۹. chars Larmore, beyond religion and enlightenment, the morals of modernity, Cambridge ۱۹۹۶;

۳۰. <http://mesbahyazdi.ir/node/۶۵۰۴>;

۳۱. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/۱۳۹۶/۰۹/۱۵/۱۵۹۳۶۲۷>;

۳۲. Michalson, Carl, secularism. New dictionary of Christian ethics, Hymns Ancient & Modern, ۲۰۱۳.